

## درس یازدهم: آن شب عزیز

آن شب عزیز، برگرفته از کتاب سانتاماریا(به معنی : مریم مقدس) از مجموعه آثار سید مهدی شجاعی / از شاعران ادبیات انقلاب اسلامی است / نوع ادبی: ادبیات انقلاب اسلامی.

شعرخوانی: شکوه چشمان تو(دروصف رشادت و جانفشانی شهید مدافع حرم، شهید محسن حججی): مرتضی امیری اسفندقه.

### قلمرو زبانی

۱. واژه های مشخص شده را معنی کنید.

الف. بچه ها هم از دست آن ذلّه شده بودند.

ب. انهدام تیربار، کار من بوده است.

پ. از شامّه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست.

ت. شیخ شما را در تاریکی تعقیب می کردم.

ث. معبّر تمام شد و وارد محوطه شدیم.

ج. دستتان را بر چشمهای درشتتان حمایل کرده بودید.

چ. حزین ترین و عاشقانه ترین لحنی بود که شنیده بودم.

ح. خودتان می دانید که من بیش از همه مُصر بودم.

خ. تیربارها، دوشکاه، تک تیرها و رگبارها همه تلاششون این بود که بچه ها را از نزدیک شدن به خاک ریز باز دارند.

د. شاهد نیاز نیست که در محضر آورند

ذ. دوباره به من تشر زدید. دبیاچه خاطرات شیرین \*\*\*

ر. ظرفه رفتن: خودداری کردن از انجام کاری از روی قصد و با بهانه آوردن. بچه های بی حفاظ

۲. در گروه کلمات زیر نادرستی های املائی را بیابید و تصحیح کنید.

« پافشاری و اسرار - سراغ گرفتن - جناق و استخوان پهن جلو سینه - حمایل کردن - کز کردن - جذب دیدار - خبر قابل ارض - عجیب و قریب - طفره رفتن - متقاعد کردن - دریغ داشتن - شبه و سایه - حزین و عاشقانه - مزمره کردن»

۳. گزینه صحیح را از داخل کمانک انتخاب کنید.

الف: از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، (قریب / غریب) نیست.

ب: (شبح / شبه) شما را در تاریکی تعقیب می کردم.

۴. هر یک از موارد زیر را بررسی کنید و در صورت داشتن نادرستی املائی، شکل صحیح واژه را در مقابل آن بنویسید.

الف) آنقدر نشستم تا نخاسته به خواب رفتم. سروصداها و هیاهو مرا از خواب پراند. (.....)

پ) بچه ها هم که انگار از دست آن زله شده بودند، تکبیر گفتند. (.....)

۵. با توجه به متن زیر، زمان فعل ها را بنویسید.

« چند نفری زمان حمله را از شما پرسیدند. خسته بودند. شب قبل نخوابیده بودند. باران بی امان باریده بود و سنگرها را آب برداشته بود.»

۶. با توجه به متن زیر، تعداد ضمائر (پیوسته و گسسته) را مشخص کنید.

« من را هم گفتید که بروم، همه را گفتید، اما نمی شد آقا! نمی توانستم، شما عصبانی شدید، داد زدید، دستور دادید، گفتید که دستور می دهید، اما باز هم من نتوانستم بروم؛ بقیه توانستند، بقیه رفتند، اما من نتوانستم آقا! دست خودم نبود؛ پاهایم سست شده بود؛ قلبم می لرزید؛ عرق کرده بودم، قوت این که قدم از قدم بردارم نداشتم.»

۷. روابط معنایی (تضاد، تناسب، تضمن) را در هر یک از موارد زیر بررسی کنید.

الف) تل و گودال : ب) مسلسل و دوشکا: پ) خاکریز و سنگر: ت) چُرت و سیرخواب: ث) خشاب و فشنگ : ج) ذله و عاجز: چ) تکبیر و صلوات

۸- با توجه به بند زیر به پرسش ها پاسخ دهید.

« آفتاب، چشم هایتان را می زد؛ برای همین دستتان را بر چشمهای درشتتان که در نور آفتاب جمع شده بود، حمایل کرده بودید، دست دیگران را هم به هنگام صحبت کردن تکان میدادید. نزدیک بود فریاد بزنم: آقای موسوی! من موخدی ام. شاگرد شما.»

الف) زمان فعل های جملات اول و دوم را مشخص کنید.

ب) یک ضمیر پیوسته و یک ضمیر گسسته بیابید و مرجع هر ضمیر را مشخص کنید.

پ) نقش دستوری قسمت مشخص شده چیست؟

### بخش دوم: قلمرو ادبی

۹. در هر یک از موارد زیر، قسمت مشخص شده چه آرایه ای دارد؟ مفهوم آن را بنویسید.

الف) معلوم است که دیدید ولی اینکه همان دم شناخته باشیم، مطمئن نیستم.

ب) بوی التماس می آمد.

پ) خورشید، بی حفاظ نشسته به روی خاک؟ / یا ماه، بی ملاحظه افتاده بین راه؟

ت) شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

ث) مثل کلاس گرم و پرشور حرف می زدید.

۱۰- مفهوم کنایه های زیر را بنویسید.

الف) گرم کردن دل: ب) جگرخراش: پ) کز کردن: ت) بر انداز کردن:

۱۱- با توجه به بیت: «شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق رگ گردنت گواه» کدام آرایه در بیت وجود ندارد؟

الف) تشخیص      ب) متناقض نما      پ) تشبیه      ت) مراعات نظیر

### بخش سوم: قلمرو فکری

۱۲. عبارات و اشعار زیر را به نثر روان معنی کنید.

الف: آفتاب، چشم هایتان را می زد.

ب: دلم را گرم کرد، از جا کنده شدم و به سمت شما دویدم.

پ: خبر قابل عرض نداشتم.

ت: گودالی که از کنجکاوای گلوله توپ در خاک فراهم آمده بوده

ج: آه این سر بریده ماه است در پگاه؟ / یا نه سر بریده خورشید شامگاه؟

چ: شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه

ح: یک کربلا شکوه به چشم نهفته است / ای روضه مجسم گودال قتلگاه

۱۳. درباره ارتباط معنایی موارد زیر توضیح دهید.

الف) دیدم که از مچتان خون می ریزد. آن را در زیر بغل چپتان پنهان کردید؛ اول فکر کردم که پنهان کردید ولی وقتی دستتان را با

خشونت از زیر بغل کشیدید و صورتتان بی اختیار مچاله شد، فهمیدم که دست را از مچ کنده اید، با چه قدرتی! با چه ایمانی!

ب) کس چون تو طریق پاکبازی نگرفت / با زخم، نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!

۱۴. چه مفهوم مشترکی در عبارت و سروده زیر دیده می شود؟

الف) مدیر را کلافه کردم بعد از رفتن شما. می گفت نمرات ثلث سوم را که داده اید، رفته اید آقا! احتمال میداد که جبهه رفته باشید

ولی یقین نداشت. من هم تا وقتی با چشم های خودم ندیدم که بر بالای تل خاکی ایستاده اید - چفیه بر گردن و کلت بر کمر - و

برای بچه ها صحبت می کنید، یقین نکردم.

ب) برای وصف میدان های پُرمین / برای وصف خال و زلف چین چین  
 نه در شیراز و نه در شهر گنجه «نظامی» میثوم در «قصر شیرین»

۱۵. مفهوم مشترک دو گزینه زیر را بررسی کنید؟

الف: هر سال چو نوبهار خرم / بیدار شود ز خواب نوشین  
 تا باز کند به روی عالم / دیباچه خاطرات شیرین  
 از لاله دهد به سبزه زیور / ای دوست، مرا به خاطر آور!

ب) حالا دل خوشی ام به این است که هر روز صبح، گرد قاب عکستان را پاک کنم و خاطراتم را با شما مرور بکنم.  
 ۱۶. با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید:

شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق، رگ گردنت گواه  
 دارد اسارت تو به زینب اشارتی / از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟  
 از دوردست میرسد آیا کدام پیک؟ / ای مُسَلِمِ شرف، به کجا می کنی نگاه؟  
 الف) این سروده در وصف کیست؟

ب) مصراع دوم بیت اول به چه موضوعی اشاره می کند؟

پ) بیت سوم به کدام ویژگی بارز اشاره دارد؟

### بخش چهارم - حفظ شعر

۱۷. با توجه به بیت: «آه این سر بریده ماه است در پگاه / یا نه! سر بریده خورشیدِ شامگاه؟» به سوال ها پاسخ دهید.

۱. بیت فوق را از نظر شیوه بلاغی و عادی بررسی کنید.

۲. نوع حذف را مشخص کنید.

۳. ترکیب وصفی و اضافی را مشخص کنید.

۴. مفهوم بیت فوق را بنویسید.

۱۸. با توجه به بیت «خورشید بی حفاظ نشسته به روی خاک / یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟» کدام گزینه درست نیست؟

الف: نقش کلمات مشخص شده، به ترتیب: قید و نهاد است. / ب: در بیت فوق، حذف به قرینه لفظی وجود دارد.

پ: در بیت فوق حذف به قرینه معنوی وجود دارد. / ت: تعداد جملات بیت، دو جمله است.

۱۹. در هر یک از نمونه های گروه «الف» کدام یک از آرایه های گروه «ب» وجود دارد؟ (توجه: در گروه «ب» یک آرایه اضافه است.)

ب	الف
تشبیه	۱. محرم این هوش جز بی هوش نیست *** مر زبان را مشتری جز گوش نیست
ایهام	۲. بید مجنون در تمام عمر سر بالا نکرد *** حاصل بی حاصلی نبود به جز شرمندگی

اسلوب معادله	۳. از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک *** ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟
کنایه	۴. شاهد نیاز نیست که در محضر آورم *** در دادگاه عشق رگ گردنت گواه
حسن تعلیل	

۲۰- در بیت: «خورشید بی حفاظ نشسته بر روی خاک؟ / یا ماه بی ملاحظه افتاده بین راه؟» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: یک معجز را در بیت بیابید؟

ب: کدام واژه‌ها استعاره هستند؟

پ: کدام واژه‌ها در بیت، جناس ناهمسان هستند؟

۲۱. با توجه به بیت: «شاهد نیاز نیست که در محضر آورند / در دادگاه عشق رگ گردنت گواه» به سوال‌ها، پاسخ دهید.

الف: دو آرایه مهم بیت را بنویسید.

ب: ترکیب‌های وصفی و اضافی را بیابید.

پ: کدام واژه وابسته وابسته است؟

ت) نوع حذف را در بیت مشخص کنید.

۲۲. با توجه به بیت: «دارد اسارت تو به زینب اشارتی / از اشتیاق کیست که چشمت کشیده راه؟» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: منظور از «تو» در بیت فوق کیست؟

ب: کنایه بیت را بیان کنید.

پ: بارزترین آرایه بیت را بنویسید.

۲۳. بیت: «از دور دست می‌رسد آیا کدام پیک / ای مسلم شرف به کجا می‌کنی نگاه؟» را از نظر قلمرو ادبی بررسی کنید.

۲۴. با توجه به بیت: «لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه» به سوال‌ها پاسخ دهید.

الف: معنی بیت فوق را بنویسید.

ب: نقش واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

پ: نوع حذف را در بیت فوق مشخص کنید.

ت: دو آرایه بارز در بیت فوق را بیان کنید.

۲۵. مفهوم مشترک ابیات زیر را بنویسید.

الف: لبریز زندگی است نفس‌های آخرت / آورده مرگ گرم به آغوش تو پناه

ب: ای حیات عاشقان در مردگی / دل نخواهی یافت جز دلبردگی

## درس یازدهم: آن شب عزیز

### قلمرو زبانی:

۱. الف: ذُله، درمانده، خسته      ب: انهدام، ویران شدن، فرو ریختن      پ: شامه: حس بویایی / غریب: عجیب، شگفت آور.  
ت: شبخ: آنچه به صورت سیاهی به نظر می آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی      ث: معبر: محل عبور، گذرگاه      ج: حزین: غم انگیز      چ: پافشاری کننده و اصرار کننده      ح: دوشکا: مسلسل سنگین      خ: دفترخانه، دادگاه      د: تشر: سخنی که همراه با خشم و خشونت و اعتراض است به قصد ایجاد ترس و تهدید      ذ: آغاز و مقدمه هر نوشته .
۲. پافشاری و اصرار - خبر قابل عرض - عجیب و غریب - شبخ و سایه -
۳. الف: غریب      ب: شبخ
۴. الف: ناخواسته      ب: ذُله
۵. (پرسیدند، بودند: ماضی ساده \*\*\* نخوابیده بودند/ باریده بود/ برداشته بود: ماضی بعید).
۶. «من را هم گفتید که بروم، همه را گفتید، اما نمی شد آقا! نمی توانستم، شما عصبانی شدید، داد زدید، دستور دادید، گفتید که دستور می دهید، اما باز هم من نتوانستم بروم؛ بقیه توانستند، بقیه رفتند، اما من نتوانستم آقا! دست خودم نبود؛ پاهایم سست شده بود؛ قلبم می لرزید؛ عرق کرده بودم، قوت این که قدم از قدم بردارم نداشتم.»  
ضمیر پیوسته: خودم - پاهایم - قلبم (تعداد ضمیر پیوسته ۳ ضمیر)  
ضمیر گسسته: من - شما - من - من - (۴ ضمیر گسسته)
۷. الف: تضاد      ب: تضمن      پ: ترادف      ت: تضاد      ث: تضمن      ج: ترادف      ج: تناسب
۸. الف: می زد: ماضی استمراری      ب: شده بود: ماضی بعید \*\*\*      ب: «تان» در دیگر تان / تان: در چشم هایتان / ضمیر گسسته: شما (مرجع ضمیر آن آقا موسوی) - من .      پ: بدل
۹. الف: دم: مجاز از لحظه      ب: حس آمیزی و تشخیص      پ: خاک: مجاز از زمین      ت: اضافه تشبیهی      ث: مثل کلاس گرم و پر شور حرف می زدید. : گرم حرف زدن: حس آمیزی / همچنین کنایه از مؤثر و گیرا حرف زدن.
۱۰. الف: امیدوار کردن      ب: دردناک      پ: گوشه گیری و تنها شدن      ت: با دقت نگاه کردن و بررسی کردن.
۱۱. ب: متناقض نما.
۱۲. الف: آفتاب، چشمه‌ایتان را اذیت می کرد. (کنایه) \*\*\*      ب: امیدوار شدم، بلند شدم و به سمت شما دویدم \*\*\*      پ: خبر قابل بیان نداشتم \*\*\*      ت: گودالی که در اثر برخورد گلوله توپ در خاک ایجاد شده بود. \*\*\*      ج: آه! ای شهید، این سر که در سحرگاه بریده شده است، سر تو است یا متعلق به ماه یا خورشید است که در شامگاه این گونه، نورانی و درخشان است.      چ: عشق تو به شهادت، نیازی به گواه و شاهد ندارد، تا برای تأیید عشق تو به دادگاه عشق بیاید، در این دادگاه، رگ بریده گردن تو، گواه عشق تو به شهادت است. \*\*\*      ح: چشم تو همانند کربلا، پر از شکوه و عظمت است. ای شهیدی که همانند مولایت به شهادت رسیده ای و یاداور شهادت حضرت امام حسین (ع) در گودال قتلگاه هستی.

۱۳. در هر دو گزینه توصیف رزمندگان و دلاورانی است که شهادت را افتخار می دانند و در دل هیچ هراسی از مرگ ندارند و در راه عشق، مرگ را سبک می شمارند. (در راه عشق و شهادت، هیچ ترسی از مرگ ندارند.)

۱۴. هر دو به رها کردن آسایش و وابستگی های دنیوی و رها کردن عافیت طلبی و رفتن به استقبال جبهه های جنگ حق علیه باطل اشاره دارند.

۱۵. توصیه هر دو به حفظ یاد و خاطره دوستان.

۱۶. الف: شهید محسن حججی      ب: سربریده بودن شهید      پ: حفظ شرافت با فداکاری

۱۷. شیوه بلاغی      \*\*      ۲. حذف به قرینه لفظی: مصرع دوم: این نهاد محذوف لفظی / سر: مسند/ شامگاه: سر شب / حذف «است» به قرینه لفظی در مصرع دوم / حذف در جمله سوم      \*\*      ۳. ترکیب وصفی: سربریده /

ترکیب اضافی: سر ماه / سرخورشید / خورشید شامگاه / سر بریده خورشید شامگاه: گروه اسمی: سر: هسته. بریده: صفت. خورشید: مضاف الیه. شامگاه: وابسته وابسته      \*\*      ۴. مفهوم نورانیت سر شهید.

۱۸. گزینه «ب» اشتباه است. زیرا فعل «است»، به قرینه معنوی بعد از (نشسته و افتاده) حذف شده است.

۱۹. کنایه اضافی است. ۱. اسلوب معادله / ۲. حسن تعلیل / ۳. ایهام در مسلم شرف / ۴. دادگاه عشق: تشبیه (اضافه تشبیهی)

۲۰. الف: خاک: مجاز از زمین      ب: خورشید و ماه: استعاره از سر بریده شهید حججی      پ: ماه: راه

۲۱. الف: آرایه های ادبی: مانند کردن رگ گردن به گواه: تشبیه / دادگاه عشق: اضافه تشبیهی / واج آرای «د» و «گ» / تکرار: در / شاهد، محضر، گواه، دادگاه: مراعات نظیر.      \*\*      ب: ترکیب اضافی: دادگاه عشق / رگ گردن / گردنت      \*\*      ترکیب وصفی: ندارد.

پ: «ت» در «رگ گردنت»: گروه اسمی: رگ، هسته. گردن: مضاف الیه (وابسته) / ت: وابسته وابسته (مضاف الیه مضاف الیه). ت: فعل «است»، در مصرع دوم حذف به قرینه معنوی.

۲۲. الف: شهید حججی      \*\*      ب: (راه کشیدن چشم: کنایه از چشم انتظاری)      \*\*      پ: تلمیح به اسارت حضرت زینب (س) در کربلا.

۲۳. ادبی: تلمیح: آمدن پیک امام حسین (ع) به سوی مسلم بن عقیل: مسلم حامل پیامی برای امام بود، ولی قبل از رسیدن به مقصد به دست یاران یزید به شهادت می رسد / مسلم شرف: اضافه تشبیهی / مسلم: ایهام (۱. مسلمان ۲. نام حضرت مسلم). پیک و مسلم: مراعات نظیر / مسلم شرف: استعاره از شهید.

۲۴. الف: ای شهید، نفس های آخر تو به جای این که موجب مرگ باشد، سرشار از حیات و زندگی است. به طوری که مرگ هم با اشتیاق، به آغوش تو پناه آورده است تا از نابودی نجات پیدا کند.

ب: لبریز: مسند      \*\*      گرم: قید

پ: فعل «است»، بعد از (آورده) به قرینه معنوی حذف شده است.

ت: آرایه های بیت: زندگی داشتن نفس آخر: تناقض / متناقض نما / پناه آوردن مرگ در آغوش تو: استعاره (تشخیص) / مرگ گرم " جناس (قلب کل) / حس آمیزی و متناقض نما / مرگ پناه آورده: تناقض.

۲۵. حیات جاودانه عاشق در شهادت / حیات بخش بودن شهید عشق.

۲۶. معنی: چشم تو همانند کربلا پر از شکوه و عظمت است. ای شهیدی که همانند مولایت به شهادت رسیده ای و یادآور شهادت امام حسین (ع) در گودال قتلگاه هستی.

مفهوم: شکوه مندی نهفته در وجود شهید و شهادت / تبعیت از پیشوای خود

زبانی: ۲ جمله / شکوه: هیبت و مهابت و عظمت / روضه: ذکر مصیبت و نوحه سرایی / شرف: بزرگواری و حرمت / چشمت: گروه اسمی: چشم (هسته) متمم. ت: وابسته (مضاف الیه) / مجسم: تجسم یافته / به: در / یک کربلا شکوه: نهاد: گروه اسمی / یک. صفت شمارشی / کربلا: ممیز / شکوه: هسته. / نهفته: مسند / کربلا. قتلگاه: تضمن و تناسب / گودال. تل: تضاد / ترکیب اضافی: کربلا شکوه / روضه گودال / گودال قتلگاه / ترکیب وصفی: یک کربلا / روضه مجسم گودال قتلگاه: شبه جمله. ندا و منادا / گروه اسمی: روضه: هسته / مجسم: وابسته: صفت مضاف الیه / گودال: مضاف الیه: قتلگاه: وابسته وابسته (مضاف الیه مضاف الیه)

ادبی: تلمیح / تشبیه: مانند کردن چشم شهید در شکوه به کربلا / کربلا و قتلگاه، روضه. گودال: مراعات نظیر / واج آرای مصوت کوتاه / روضه: ایهام: (۱. بهشت ۲. ذکر نوحه و مصیبت) / یک کربلا: کنایه از بسیاری شکوه چشم شهید / مانند کردن.